

## طبقه کارگر و لایحه تشکیل سندیکاهاى کارگرى

گفتگوهایی که، با سازمان بین المللی کار داشتیم، بیانیه را امضاء کردیم... موضوع سندیکاها، یعنی آخرین وضعیت شکل گیری تشکل های کارگری برپایه مدل سازمان بین المللی کار در حال بررسی های کارشناسی توسط جوامع کارگری(!!!) و کارفرمایی و دولت است و هرزمان که این تصمیم به صورت سه جانبه اتخاذ شود، در مسیر اصلی خود قرار می گیرد، سازمان بین المللی کار با امضای بیانیه موافقت خود را با این طرح اعلام کرده است.

به این ترتیب رژیم ولایت فقیه پس از سال ها مقاومت گستاخانه و نافرجام در چارچوب معینی وادار به پذیرش و به رسمیت شناختن سه مقاله نامه ۸۷، ۹۸، ۱۳۸ مربوط به

ادامه در صفحات ۴



شماره ۶۶۶، دوره هشتم  
سال بیستم، ۱۴ مرداد ماه ۱۳۸۲

## ارتجاع قرون وسطایی در برخورد با حقوق انسانی زنان

مجلس خبرگان، و از چهره های منفور ارتجاع اجرای این کنوانسیون در ایران را غیر ممکن دانست و گفت پیوستن به این کنوانسیون: «هیچ دردی را درمان نمی کند زیرا در ماده ۲۸ این کنوانسیون آمده است که تمام قیودی که با روح این معاهده در تعارض باشد پذیرفته نیست و قطعاً آنان احکام اسلامی را مصداق تبعیض و با روح کنوانسیون در تعارض می دانند...»

سؤال این است که در این کنوانسیون چه مفادی گنجانده شده است که این چنین پایه های فکری تاریک اندیشان حاکم بر میهن ما را به لرزه درآورده است. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای رفع هرگونه تبعیضی بر ضد زنان در (دی ماه ۱۳۵۷) ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و تا سال ۱۹۸۹، یعنی دهمین سالگرد آن بیش از صد کشور جهان به این کنوانسیون پیوسته و تعهد داده بودند که مفاد آن را به اجرا درآورند. بند اول این کنوانسیون تبعیض بر ضد زنان را چنین تعریف می کند: «تبعیض بر ضد زنان به معنای تفاوت قابل شدن، ایجاد محرومیت و یا محدودیت بر اساس جنسیت است». بند دوم این کنوانسیون خواهان برابری کامل زن و مرد و ایجاد چارچوب های قانونی لازم در کشورهای مختلف برای تحقق چنین برابری است. بند هفتم این کنوانسیون به حقوق سیاسی زنان اختصاص دارد و خواهان شرکت برابر حقوق زنان در انتخابات و حق انتخاب شدن به همه مسئولیت های انتخابی کشور است. حقی که زنان میهن ما از آنان محرومند. به عنوان نمونه مرتجعان حاکم در جریان انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶

تصویب لایحه پیوستن ایران به «کنوانسیون رفع تبعیض از زنان» با عکس العمل شدید مرتجعان و تاریک اندیشان حاکم روبرو شد. بر اساس گزارش ایسنا، شنبه ۱۱ مرداد ماه، آیت الله همدانی با انتشار بیانیه شدید الحنی در این زمینه از جمله مدعی شد: «در مجلس شورای اسلامی لایحه ای به تصویب رسید که مصیبت بلکه فاجعه بزرگی را برای این ملت ببار آورد. این کنوانسیون رفع تبعیض در حقوق زنان مانند بسیاری از طرحهای پرزرق و برق، مثل هواداری از حقوق بشر، تامین دموکراسی، حمایت حقوق زندانیان و اخیراً مبارزه با تروریست از جمله ترندهای شناخته شده دنیای غرب و استکبار جهانی است که هدفی جز کوبیدن اسلام و اثبات برتری تمدن غرب بر فرهنگ اسلام ندارد میباشد. روح این کنوانسیون نفی حجاب برای زن، نفی عده نگهداشتن و نفی تعداد دیگری از ضروریات اسلام است... مکارم شیرازی، سخنگوی دیگر ارتجاع نیز در موضع گیری مشابهی اعلام کرد که: «بندهای متعددی از این کنوانسیون صریحاً بر خلاف شرع اسلام است و نمی توان با آن موافقت کرد. اگر مفاد این کنوانسیون در کشور ما پیاده شود شاهد متلاشی شدن خانواده ها، طلاق های بسیار و بی سرپرست شدن کودکان و آلودگی های مختلف ناشی از آن خواهیم بود». روزنامه رسالت، ارگان ارتجاع در شماره سه شنبه ۱۴ مرداد ماه، به نقل از اسدالله بادامچیان، رئیس «مرکز سیاسی جمعیت مؤتلفه اسلامی» اعلام کرد که «تصمیم مجلس درباره کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان تصمیم بی ارزشی است» و این «اقدام خود باختگی در برابر غرب است». در همین شماره روزنامه رسالت، سید احمد خاتمی، عضو

ادامه در صفحه ۶

## تأملی بر سخنان اخیر خاتمی «لوايح آمريکايي» و برداشت های «فاشیستی»

بر اساس گزارش ایلنا، خبرگزاری کار ایران، سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری در سخنانی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای هیأت دولت ضمن ابراز نگرانی شدید از وضعیت بحرانی کشور از جمله گفت: «آنچه به نام اصلاحات مطرح شد، امروز در میان دو لبه قیچی تنگ نظری و بدبینی و تحمیل دید امنیتی از یک سو و وادادگی در برابر جریان های فکری و ارزشی ناسازگار با مبانی دینی و فرهنگی جامعه قرار گرفته است. جامعه ما به شدت در حال دو قطبی شدن است و این امر بسیار خطرناک است و سیاه و سفید نشان دادن همه چیز فاجعه است... خاتمی در ادامه ضمن انتقاد از برخوردهای سرکوب گرانه اخیر افزود: «دو دسته فرایند اصلاحات را شکست خورده می دانند. کسانی که هر اصلاحی ولو در درون نظام را به خروج از نظام و ضدیت به آن تلقی می کنند و نیز کسانی که اصل جمهوری اسلامی را ترکیبی تناقض آمیز می دانند و اصلاحات را در حذف دین از صحنه زندگی می دانند. دسته اول کسانی هستند که مرادشان از نظام اسلامی، روش ها و سیاست هایی است که بارها با شکست و عدم اقبال مردم مواجه

ادامه در صفحه ۲

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

## برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## ادامه «لویح آمریکایی» ...

## تشدید فشارها و تشکیل بیدادگاه های فرمایشی

در ادامه تشدید روند سرکوب نیروهای دگراندیش و خصوصاً جنبش دانشجویی و دانشجویان مبارز در هفته گذشته مجموعه یی از اخبار نگران کننده منتشر شد که نشانگر ابعاد وسیع ارتجاع حاکم برای نیروهای مدافع جنبش مردمی است. بر اساس همین گزارش ها بیدادگاه های رژیم زیر نظر جنایتکارانی همچون مرتضوی ها و علیزاده ها در شهرهای گوناگون مشغول صدور احکام جابرانه بر ضد دانشجویان ترقی خواه هستند و روند دستگیری ها و شکنجه دگراندیشان توسط نیروهای امنیتی همچنان در ابعاد گسترده یی در جریان است.

بر اساس گزارش پایگاه خبری امیر کبیر تاکنون ده تن از اعضا و رهبران دفتر تحکیم وحدت دستگیر شده اند که اکثر آن در بازداشتگاه ۳۲۵ سیاه در زندان اوین زیر فشارهای شدید و شکنجه قرار دارند. همچنین گزارش شد که پویا محمودیان، دبیر سیاسی، انجمن دانشجویان امیر کبیر نیز روز یکشنبه دستگیر و روانه زندان اوین شده است. بر اساس همین گزارش ارسلان شیمیرانی یکی از دستگیر شدگان دانشگاه امیر کبیر به شش ماه زندان، ۳۰ ضربه شلاق و پرداخت یک میلیون تومان جریمه محکوم شده است. لازم به تذکر است که بر اساس خبر ایلنا، خبرگزاری کار ایران، برای تمامی دانشجویان دستگیر شده از دانشگاه تهران پرونده قضایی درست شده است و بر اساس گزارش ها همه آنها به زودی محاکمه خواهند شد.

تشدید فشارهای مرتجعان حاکم بر ضد جنبش دانشجویی بخشی از برنامه همه جانبه برای سرکوب کامل جنبش دانشجویی انحلال تشکل های دانشجویی که خط های قرمز را پشت سر گذاشته اند و تکرار جریان پاکسازی وسیع دانشگاه های کشور برای ایجاد «ثبات و امنیت» است. بی عملی دولت خاتمی در مقابل همه این قانون شکنی ها و تجاوزات آشکار بر ضد حقوق انسانی صدها دانشجوی مبارز، نویسنده و روزنامه نگار دگراندیش بار دیگر موید این نظریه است که دولت اصلاحات توان و خواست دفاع از مدافعان واقعی اصلاحات را ندارد و جنبش مردمی برای دفاع از خود باید بیش از پیش بر همبستگی نیروهای اجتماعی تأکید کند و با سازمان دهی افکار عمومی در داخل و در عرصه بین المللی برای زیر فشار گذاشتن مرتجعان حاکم بهره جوید.

شده است. نتیجه تلخ مایوس شدن مردم از اصلاحات، توجه آنها به ویژه جوانان به خارج و امید نجات از سوی بیگانگان است که این نباید هیچکس را خوشحال کند. خاتمی در ادامه ضمن «تقیب نگاه سخت گیرانه و امنیتی به برخی تصمیم گیری ها و مسایل کشور»، گفت «حتی در برخی تریبون های مقدس و رسانه های رسمی به صراحت گفته می شود که لویح رئیس جمهوری توسط آمریکا تهیه شده و از سوی مزدورانش در مملکت مطرح شده است. بدیهی است که صاحبان این دیدگاه هیچ اصلاحاتی را بر نمی تابند و هر حرکتی را که مخالف منش و بینش آنها باشد عین کفر و وابستگی به اجانب می دانند...» خاتمی در ادامه همین سخنان ضمن اشاره به دشواری های پیش رو افزود: «امروز فاجعه این است که احیاناً بر اساس مبانی فاشیسم از دین و انقلاب برای بیرون کردن رقیب استفاده شود... من برای ایران نگرانم. توطئه های بزرگی برای این کشور تدارک دیده شده است و باید خود را در دورن مستحکم کنیم... هدف از انقلاب اسلامی این نبود که بینش فاشیستی بنام اسلام و انقلاب بر جامعه حاکم شود و هر کس که غیر از این بود به عنوان ضد اسلام و ضد انقلاب مورد حمله و فشار قرار گیرد.» خاتمی سپس گفت: «لازمه حفظ نظام جمهوری اسلامی، تقویت محتوای دموکراتیک و مردمی نظام بر اساس قانون اساسی است و اینکه مردمسالاری سازگار با دین با همه لوازم آن نظیر آزادی بیان و اندیشه پذیرفته شود. قانون اساسی گرچه وحی منزل نیست ولی مبنای نظم پذیرفته شده ماست. باید باور کرد که زمان ما، زمان نفی تفسیرهای فاشیستی، ارتجاعی و دور از واقعیات زمان از دین است.» خاتمی در پایان سخنان خود تأکید کرد: «لویحی که از سوی رئیس جمهوری ارائه شده است حداقل هایی است که اگر منتج به نتیجه شود، می تواند تا حدودی فضا را به نفع حقوق مردم و نظام تغییر دهد.» سخنان خاتمی با واکنش انتقاد آمیز جناح ذوب در ولایت روبه رو شد. اسدالله بادامچیان، رئیس دفتر سیاسی جمعیت مؤتلفه اسلامی، در گفت و گویی با خبرنگار خبرگزاری کار ایران، ایلنا، با انتقاد از سخنان خاتمی در جلسه مشترک دولت و مجلس گفت: «البته اینکه رئیس جمهوری محترم نسبت به وجود توطئه تذکر می دهد و همه را دعوت به حفظ وحدت ملی در مقابل توطئه ها می کند، تذکر به جایی است، اما اینکه این توطئه ها چیست، حداقل انتظار مردم این است که رئیس جمهورشان شفاف صحبت کند تا آنها با شناخت آن توطئه بتوانند نسبت به رفع آن، یکپارچگی خودشان را اعمال کنند. بنابر این طبیعی است که ایشان باید در بیان توطئه ها آشکارتر صحبت کنند. در صحبت ایشان یک نوع احساس نگرانی بود که یک مقدار هم در نوع خود سیاه نمایی است. اینکه در حق مجلس ظلم شده و یا از تریبون هایی چه صحبت هایی شده و ... مخصوصاً پس از اینکه خودشان از سیاه نمایی انتقاد داشتند مطالب جالبی نبود و به نظر من نیازی به این نوع طرح مطالب نبود...»

سخنان خاتمی تکرار مسایلی است که بارها از تریبون های گوناگون درباره معضلات و مشکلات بر سر امر پیش برد روند اصلاحات مطرح شده است. مشکل اساسی در این چنین صحبت هایی این است که تنها با موعظه و نصیحت نمی توان سد ارتجاع و یا آن تعبیر «فاشیستی از دین» را که خاتمی از آن «نام می برد از سر راه برداشت. ناامیدی مردم از روند اصلاحات دقیقاً به این خاطر است که در عرض پنج سال گذشته در مقابل تهاجمات روز افزون مرتجعان و دسته های فاشیستی تنها سکوت و موعظه پیش گرفته شده است و فاجعه کنونی در جامعه ما نیز حاصل ادامه چنین سیاست هایی است. می گویند آزموده را آزمودن خطاست مسأله اساسی یی که امروز نیاز پاسخ به آن است این است که در مقابل مرتجعان حاکم که به اعتراف خود خاتمی هیچگونه اصلاحاتی را بر نمی تابند بجز نصیحت و موعظه که تجربه نشان داده است ثمری ندارد چکار باید کرد. پاسخ به این سؤال نیازمند عبور از خط های سرخی است که در نهایت صف خلق و غیر خلق را مشخص می کند.

## همبستگی جوانان دموکرات جهان با دانشجویان مبارز ایران!

دروغین قرار گرفته اند.

«ف.ج.د.» نقش مهم و ترقی خواهانه جوانان و دانشجویان دانشگاه های ایران در شکل دهی به مسیر تحولات سیاسی معاصر کشور را تصدیق و حمایت می کند. «ف.ج.د.» قویاً سیاست ها و اقدامات سرکوبگرانه اتخاذ شده از سوی مقامات رژیم اسلامی در ایران را محکوم می کند.

«ف.ج.د.» دبیرکل سازمان ملل و همه جوامع بین المللی و نیروهای صلح دوست را فرا می خواند که با فشار گذاشتن رژیم ایران خواستار توقف فوری همه اقدامات سرکوبگرانه و احترام به حقوق دموکراتیک جوانان و دانشجویان ایرانی شوند.

بر این پایه «ف.ج.د.» همه سازمان های عضو و دوست را فرا می خواند که: - برضد سیاست های ترور بکار گرفته شده از سوی رژیم دیکتاتوری در ایران و در دفاع و حمایت از دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی در ایران مبارزه کنند.

- از کارزار نیروهای ترقیخواه و دموکراتیک برای تغییرات رادیکال در ایران و به ویژه مبارزه قهرمانانه دانشجویان ایران حمایت کنند.

- خواستار آزادی فوری و غیر مشروط همه زندانیان سیاسی از جمله همه رهبران دانشجویی و فعالان سیاسی، روشنفکران و روزنامه نگاران دستگیر شده در ماه های اخیر شوند.

- از بسیج جنبش برای صلح و همبستگی با مردم ایران حمایت کنند. - همبستگی و حمایت خود را از نیروهای مترقی ایرانی در مبارزه آنان برضد رژیم دیکتاتوری در ایران اعلام دارند.

شورای هماهنگی «ف.ج.د.»

### فراخوان «ف.ج.د.» برای اقدام عاجل

فدراسیون جهانی جوانان دموکرات نگرانی عمیق خود را در رابطه با اقدامات سرکوبگرانه دولت ایران در شش هفته گذشته برضد دانشجویان، جوانان و نیروهای دموکراتیک ابراز می دارد.

تاکنون حدود ۴۰۰۰ نفر از تظاهرکنندگان معترض دستگیر شده و در بازداشتگاه های مخفی زندانی شده اند. ۹ تن از رهبران «دفتر تحکیم وحدت»، تنها سازمان دانشجویی قانونی و مجاز در کشور دستگیر و زندانی شده اند. سرکوب و پیگرد روز به روز تشدید می گردد.

فدراسیون جهانی جوانان دموکرات بطور جدی با این وضعیت برخورد کرده و همه سازمان های عضو و دوست را فرا می خواند که اقدامات ظالمانه دولت ایران را محکوم کنند و خواستار شوند:

- پایان سرکوب برضد دانشجویان و جوانان و مردم عدالت خواه ایران
- آزادی فوری همه دانشجویان دستگیر شده و زندانیان سیاسی
- استقرار حقوق دموکراتیک و حقوق بشر برای مردم ایران
- احترام به حقوق دموکراتیک دانشجویان در دانشگاه ها و پایان دادن به عملکرد کادرهای نظامی، پلیس و لباس شخصی های امنیتی در محوطه دانشگاه ها.

شورای هماهنگی «ف.ج.د.»

همانطور که در شماره قبل نامه مردم گزارش شد، اعضاء و هواداران حزب توده ایران در هفته های اخیر فعالیت های متنوعی را برای جلب حمایت فعال و همبستگی محافل ترقی خواه بین المللی با دانشجویان و جوانان ایرانی که درگیر مبارزه ای دشوار با گزمگان رژیم «ولایت فقیه» می باشند، سازمان داده اند. از جمله دستاورد های این کارزار همبستگی جلب حمایت همه جانبه سازمان های بین المللی فعال در امور دانشجویان و جوانان و از جمله «فدراسیون جهانی جوانان دموکرات» (WFDY) بوده است. «ف.ج.د.» نقش مشاور سازمان ملل متحد را دارد و از نزدیک با سازمان یونسکو فعالیت می کند و در سال ۱۹۸۷ برنده جایزه ویژه «پیامبر صلح» از سوی دبیرکل سازمان ملل گردید. در کنگره نوبتی «ف.ج.د.» که در اسفندماه ۱۳۸۱ در هاوانا، پایتخت کوبا، برگزار گردید، هیئتی از سوی سازمان جوانان توده ایران شرکت فعال داشت و قطعنامه یی مفصل در رابطه با حمایت از مبارزه جوانان و دانشجویان ایرانی به تصویب رسید.

در هفته های اخیر دو سند با اهمیت از سوی «ف.ج.د.» در حمایت از مبارزه دانشجویان مبارز ایرانی منتشر شده است که ترجمه آن ها در ادامه آورده می شود. گزارش اقدام همبستگی «اتحادیه جهانی دانشجویان» در شماره آینده نامه مردم انتشار خواهد یافت.

### فراخوان برای همبستگی با جوانان و دانشجویان ایران

فدراسیون جهانی جوانان دموکرات نگرانی خود را در مورد ادامه اقدامات سرکوبگرانه به کار گرفته شده از سوی نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی در ایران برضد جوانان و دانشجویان دانشگاه ها در هفته های اخیر ابراز می دارد.

«ف.ج.د.» از نزدیک موج کنونی اعتراضات دانشجویان و جوانان ایران که برای بهبود امکانات رفاهی در دانشگاه ها و برضد اقدام برای خصوصی سازی موسسات آموزش عالی مبارزه می کنند، را دنبال کرده است.

در طول شش سال گذشته، جوانان و دانشجویان ترقی خواه دانشگاه های ایران گردان پیشستاز کارزار در طلب اصلاحات دموکراتیک، پایان دادن به سرکوب و احترام به حقوق بشر در کشور بوده اند. اعتراضات اخیر در ایران همچنین به مناسبت سالگرد سرکوب خشن جنبش دانشجویی در ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ توسط نیروهای امنیتی رژیم صورت می گرفت.

جوانان دموکرات ایرانی سرخوردگی و انتقاد خود از حرکت کند و سیاست های غیر موثر پرزیدنت محمد خاتمی که شش سال قبل بر پایه پلافرم وعده رفورم های رادیکال و دموکراتیزه کردن کشور به قدرت رسید، را ابراز داشته اند. آن ها بر این باور هستند که ایران بطور فزاینده یی در یک بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که استقلال و یکپارچگی آن را مورد تهدید قرار داده، محاصره می شود. دانشجویان ایرانی هدف اصلی ماشین سرکوب رژیم در سال های اخیر بوده اند.

بر اساس بیانیه های صادر شده از سوی مقامات ایرانی بیش از ۴۰۰۰ دانشجو در ماه های خرداد و تیر دستگیر شده اند و بسیاری از آن ها تحت شرایط دشوار و سختی در زندان ها و بازداشتگاه های زیر کنترل نیروهای امنیتی رژیم زندانی شده اند. تعدادی از فعالان و سران دفتر تحکیم وحدت، تنها سازمان دانشجویی فعال و قانونی در کشور دستگیر و در سلول های انفرادی در بازداشتگاه های مخفی تحت کنترل نیروهای امنیتی رژیم، زندانی شده اند.

بر اساس گزارش های موثق که توسط «ف.ج.د.» دریافت شده است، تعدادی از رهبران جنبش دانشجویی تحت رفتار غیر انسانی با هدف شکستن مقاومت آن ها و اجبارشان به اعتراف و صدور بیانیه های

## ادامه طبقه کارگر و لایحه تشکیل سندیکاهای ...

حقوق بنیادی کار گردیده است. مقاله نامه ۸۷ سازمان بین المللی کار به موضوع آزادی اتحادیه ها، انجمن ها و حمایت از حق نهادینه شدن تشکل های مستقل می پردازد، این مقاله نامه یادآور می گردد همه کارگران و کارفرمایان بدون هیچ گونه تبعیضی حق تشکیل انجمن و اتحادیه را دارا هستند. در این خصوص می باید متذکر شد، به دلایلی مشخص رژیم ولایت فقیه وادار به پذیرش مقاله نامه های مذکور شده است. نخست، این حقیقت که، جنبش اعتراضی زحمتکشان گسترش و ژرفش یافته است. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما در تحولات مهم سالیان اخیر به ویژه از دوم خرداد ۷۶ به اینسو، نقش فوق العاده برجسته و تعیین کننده ای ایفا کرده اند. رشد مبارزات اعتراضی و ارتقاء سطح آگاهی در میان زحمتکشان در چند سال گذشته چشمگیر و بسیار امیدوار کننده بوده. و این واقعیتی است که، از دید و نگاه رژیم و ارگان های امنیتی آن پنهان نمانده است. ناتوانی و ضعف نهادهایی چون خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و کانون عالی شوراهای اسلامی در مهار و خنثی کردن جنبش کارگری - سندیکایی یک نمودار روشن از رشد و تقویت مبارزات کارگری قلمداد می شود. در این راستا، به موازات طرح خواستهایی چون تعیین حداقل دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم، طرح مترقی طبقه بندی مشاغل، پرداخت به موقع دستمزدها، جلوگیری از اخراج و بازخرید زحمتکشان و مخالفت با خصوصی سازی و جلب و جذب سرمایه خارجی، طرح شعار ایجاد تشکل های مستقل صنفی - سندیکاهای در دستور کار قرار داشته و دارد. هم اینک، پس از آنکه رژیم ولایت فقیه نتوانست ارگان های گوش بفرمان خود نظیر خانه کارگر را به عنوان تشکل های واقعا مستقل به معنای بین المللی معتبر مانند فدراسیون سندیکایی جهانی و سازمان بین المللی کار بقبولاند، زیر فشار شدید کارگران و زحمتکشان و در هراس از ارتقاء سطح مبارزه، ناچار به پذیرش حداقلی، تاکید می کنیم حداقلی تحت عنوان تشکیل تشکل های کارگری با مدل و سازماندهی مورد نظر سازمان بین المللی کار بر آمده است.

نکته دوم، این امر به شرایط مشخص کنونی مربوط است. به این معنا که رژیم ولایت فقیه از آنجا که، با بحرانی همه جانبه، دامنه دار و ژرف دست به گریبان می باشد و تحولات داخلی، منطقه یی و جهانی به شدت سران آن را در وحشت و نگرانی فرو برده است، می کوشد با برخی اقدامات نیم بند و مانورهای حساب شده از حدت و میزان بحران کاسته و فضایی برای تحرک خود با هدف حفظ کیان نظام فراهم آورد. رژیم به خوبی از توان بالقوه و بالفعل جنبش کارگری آگاه است و در لحظه کنونی سیاست مشخصی را برای مهار و انزوای این جنبش تدارک دیده است. هدف رژیم جلوگیری از افزایش اعتراضات کارگری و ارتقاء آن به سطح عالی تر است در عین اینکه این جنبش نتواند پیوندهای ضرور را با دیگر گردانهای جنبش مردمی برقرار سازد. و سوم اینکه، مطابق اعلام وزیر کار تدوین لایحه تشکیل تشکل های کارگری بر پایه مدل مورد نظر سازمان بین المللی کار، کماکان در چارچوب تنگ محافل و ارگانهای حکومتی قرار دارد و نظر و خواست توده های وسیع زحمتکشان در آن نقشی ندارد. صفدر حسینی وزیر کار دولت محمد خاتمی با صراحت اشاره کرده، بحث مذکور در شورای کار سه جانبه که متشکل از دولت، نهادهای به اصطلاح کارگری و انجمن های صنفی کارفرمایان جریان داشته و تدوین نهایی آن به کمیته های کارشناسی ارجاع داده شده است. بنابر این فعلا، فقط مساله به شکل بر می گردد و در مورد محتوی و ماهیت تشکل هایی که قرار است ایجاد شود، به عمد سخنی در میان نیست!

در اینجا باید خاطر نشان ساخت، کوشش رژیم، تغییراتی در سطح ظاهری و شکل این پدیده است و بیشترین سعی خود را معطوف بدان نموده که محتوی تشکل های کارگری آنچنان که مورد خواست کارگران پیشرو و مبارزان جنبش سندیکایی است، نباشد! به بیان روشن، هدف رژیم ولایت فقیه، عبارتست از تشکیل سندیکاهایی که، در شکل و نه در محتوی با منشور حقوق سندیکایی و مقاله نامه های مختلف سازمان بین المللی کار تفاوتی ندارند و یا تفاوتهای قابل اغماض دارند. با توجه به این مسایل و آنچه مورد توجه قرار گرفت، این پرسش کلیدی مطرح می گردد، اکنون با توجه به مجموعه شرایط، طبقه کارگر و به ویژه کارگران آگاه و پیشرو و مبارزان توده ای داخل کشور چه وظیفه ای بر عهده دارند و در این وضعیت بفرنج چگونه برنامه و سیاستی را پیش می برند؟!

برای پاسخ صحیح به این پرسش مهم، نخست باید به این موضوع پرداخت که، اصولاً جنبش سندیکایی کارگران ایران در حال حاضر چه سمت و سویی دارد و کدام وظایف در اولویت مبارزات آن قرار می گیرد؟! تاریخ و سنن افتخار آمیز جنبش کارگری - سندیکایی میهن ما به خوبی گواه این حقیقت است که وجود سندیکاهای واقعی نه تنها برای دست یابی به اهداف مبارزات صنفی - رفاهی ضرور و انکار ناپذیر است، بلکه برای نیل به هدفهای عام سیاسی و سازماندهی نیروهای راستین جنبش در مراحل حاد مبارزه کمک و یاری موثر و بی بدیلی محسوب می گردد. حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران بر پایه چنین درکی است که، همواره بر اهمیت تقویت و انسجام جنبش سندیکایی تاکید ورزیده و در راه آن فداکارانه رزمیده است. بنابراین، شکل گیری، رشد و قوام جنبش سندیکایی مهمترین و مبرم ترین وظیفه در حال حاضر به شمار می آید. تجربه چند سال اخیر به خوبی اهمیت موضوع را آشکار می سازد و لزومی برای توضیح بیشتر باقی نمی گذارد. در عین حال باید افزود، مبارزه برای سازماندهی زحمتکشان و پی ریزی سندیکاهایی که بر پایه صحیح طبقاتی سازمان یافته اند، کار یک روز و دو روز نیست و با هر نوع شتاب زدگی و اراده گرایی مغایرت دارد. این مبارزه یی است دشوار و پُر فراز و نشیب که، موازین و اسلوب خاص خود را دارد و بیش از هر چیز نیازمند درایت، هوشیاری، کاردانی، ظرافت، پیگیری، شکیبایی و اصولیت می باشد. خط مشی اصولی حزب ما در رابطه با جنبش سندیکایی ضمن اینکه به موارد بالا تکیه دارد، بر دوری از هر گونه فرقه گرایی و دنباله روی تاکید می ورزد. اصل کلیدی فعالیت برای تقویت جنبش سندیکایی افشاندن بذر آگاهی در میان زحمتکشان است. به عبارت دیگر همه چیز به رشد و آگاهی کارگران بستگی دارد و این موردی است فوق العاده پُر اهمیت که نباید لحظه ای از نظر دور داشت. پس از پیروزی انقلاب در اوضاعی که ارتجاع مانع رشد جنبش سندیکایی کارگران شد، حزب ما بر اهمیت و ضرورت سازمان های سندیکایی تاکید کرد، ما با قاطعیت اعلام می داشتیم: وجود یک سازمان سندیکایی نیرومند، مردمی، متشکل، که در هایش به روی همه مزدبگیران باز باشد، ضرورت دارد تا برای تحقق خواست های فوری، برای تامین تحولات عمیق و بنیادین ... عمل و اقدام کند. وجود سازمان سندیکایی، هم در موسسات تولیدی و خدماتی لازم است و هم به مقیاس رشته های مختلف تولیدی خدماتی سراسر کشور.

همچنین یادآور می شدیم: فعالیت سازمان سندیکایی در صورتی ثمربخش است که با توده زحمتکشان کارگاه، کارخانه و موسسات و غیره در ارتباط نزدیک قرار گیرد، فقط از این راه است که سازمان سندیکایی می تواند از خواست های مشروع زحمتکشان مطلع گردد ... و برای تحقق آنها راه و شیوه مناسبی برگزیند. اینک در شرایطی به کلی متفاوت، این موارد کماکان با اهمیت و اصلی تلقی می شوند. رشد و تقویت جنبش سندیکایی از هر راه ممکن، تلاش و مبارزه ای است در جهت ارتقاء سطح مبارزاتی مجموعه جنبش مردمی در راه طرد رژیم ولایت فقیه. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان می باید از همه وسایل با توجه به شرایط مشخص استفاده کنند. برای رشد و گسترش جنبش سندیکایی و سازماندهی آن بر پایه صحیح طبقاتی، باید از هر روزنه یی هر چند کوچک و از هر امکانی هر چند ناچیز با توانایی و شجاعت بهره گرفت. در مبارزه یی دشوار و طولانی بقول لنین: باید به هر گونه فداکاری تن در داد و موانع بسیار بزرگی را از سر راه برداشت تا بتوان به شیوه یی منظم و پیگیر، سرسخت، کوشا و شکبیا درست در آن موسسات و جوامع و جمعیتها، ولو بی نهایت ارتجاعی که توده پرولتر یا نیمه پرولتر را در برداشته باشند، به ترویج و تبلیغ پرداخت.



با خانواده اش در جنوب فرانسه میگذراند. خانه زیبا بی در آنجا خریده است، او دیگر فقیر نیست، آثار او به قیمت‌های خوبی بفروش میروند و بسیاری از آنها دیوار موزه‌ها را مزین کرده‌اند. در فاصله سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۵ میلادی بارها به میهنش - اسپانیا - و ایتالیا سفر می‌کند، تحت تأثیر شدید نویسندگان و شعرای یونان و روم باستان است، صدها طرح و تصویر در این باره کشیده است، برای هنرپیشه‌های باله طرح صحنه و لباس می‌ریزد، مجسمه‌هایی از سیم و اوراق فلزی می‌سازد، بیقرار و پویا است چون چشمه‌ای جوشان، از ایده‌های بی پایان. هر پرده سفید که فاقد خط و رنگ باشد، وسوسه اش میکند. آفرینش تصویرها، فرارویی آنها، ساختن، تجدید نظر، از بین بردن و دوباره سازی اشکال و رنگها برای او مشغله شورا نگیز بزرگی شده است. او اغلب میهمان دانه‌ها را نقاشان، عکاسان، شاعران، خبرنگاران و دلالان آثار هنری. گاهی از دست آنها به تنگ می‌آید و اوقاتش تلخ می‌شود. هنگام صحبت با آنها تصاویر تازه‌ای در ذهنش زاده می‌شوند، در دستانتش دستمال سر سفره، کارت صورت غذا و جعبه‌های سیگار به آثار هنری تبدیل میشوند. دیگر کسی حاضر نیست سبک معینی را به او نسبت دهد. پیکاسو آنها را اغلب با عرضه تصاویر مطلقاً تازه و غیر منتظره غافلگیر کرده است. گاهی به همراه خانواده و دوستانش به تماشای گاو‌بازی و سیرک می‌رود. گاو‌بازی و سیرک را به او ترجیح میدهد. هر جا حادثه هنری مهمی در جریان است، او حضور دارد، برای دوستانش معمایی است که او برای خلق آثار بی‌شمار خود کی وقت می‌یابد. آنها بی خبرند از شهبازی که پیکاسو تا سپیده سحر بیدار است و مشغول کار. استراحت نمی‌شناسد، برخی از موتیوها را بیست بار پشت سر هم میکشد. اولین تصویر شبیه شکل واقعی آن است. بعد ساده و ساده تر میشود تا آنجا که بالاخره تعداد معدودی از خطوط و رنگها، که برای او مهمترین عناصر موتیوند، باقی میماند. بعد بخشهای مربوط به شکل واقعی را دوباره به تصاویر برمیگرداند، ولی نه آنگونه که در لحظه موجود بنظر میرسد، بلکه بگونه‌ای که او برای تصاویرش، که در ذهنش قوام می‌یابد، نیاز دارد. سالهای ۲۰ و ۳۰ میلادی برای پیکاسو سالهای رشد خلافتانند. در این مرحله است که فرانکو (دیکتاتور فاشیست) اسپانیای جمهوری خواه را مورد حمله قرار میدهد و با حمایت همه جانبه فاشیستهای آلمان و ایتالیا شهرها و روستاها بیرحمانه بمباران میشوند. پیکاسو به جانبداری از مردم برمخیزد، پرده از دروغها و جنایات فرانکو برمیدارد، **گرنیکا** را می‌کشد. وقتی فاشیستهای آلمانی اروپا را اشغال می‌کنند، پیکاسو در پاریس می‌ماند، در سنگر مقاومت. **نقاشی سپر و سلاح** او است، در این ایام است که مجسمه برنجی مردی با بره‌ای (به عنوان سمبل پاسداری از موجود مظلوم) خلق می‌شود. اکنون آلتیه او محل قرار مبارزان مقاومت فرانسه است.

در سال ۱۹۴۴ میلادی پیکاسو عضو حزب کمونیست فرانسه می‌شود. بعد از شکست فاشیسم در کنگره‌های جهانی صلح شرکت میکند. **کبوتر صلح** او (که در سال ۱۹۴۹ میلادی بمناسبت گشایش کنگره جهانی صلح در پاریس کشیده شده است) به سمبل جنبش صلح در سراسر جهان تبدیل می‌شود. با وجود پیروی (پیکاسو اکنون به ۷۰ سالگی قدم گذاشته است) بطور خستگی ناپذیری نقاشی میکند، مجسمه می‌سازد و کوزه‌گری را به عنوان امکان جدیدی در هنر به خدمت میگیرد، چیزی که برای او تازه ولی برای بشریت مشغله‌ای دیرین بوده است و هنردوستان را دوباره غافلگیر می‌کند. در سال ۱۹۵۲ وقتی صلح جهانی در خطری جدی است، پیکاسو پرده‌های عظیم «جنگ» و «صلح» را می‌کشد. اشیاء و انسانهای منفرد در این پرده‌ها بصورت تصویری فشرده ترسیم می‌شوند که هر یک حامل مفهوم عمیقی‌اند. در مقابل دیو سیاه جنگ، کتب لگدمال شده و به آتش کشیده و دستهای قطع شده عناصر با شکوه صلح را قرار میدهد: اسب بالدار را، پگاسوس، الهه شعر را، شخم زمین را و کار حاصلخیز را، زنان در حال رقص و پیکوبی را و در سر انگشت یکی از آنها ترازویی را با ساعت شنی (زندگانی جاری) در کفه‌ای و کودکی بالانس زن را در کفه‌ای دیگر. ماهی در قفسی و پرنده در شیشه‌ای حکایت از حوادثی نامنتظره دارند، از زیبایی بی بدیل اکتشافات نو. خوشبختی و گندیدن انسان، زندگی و مرگ، رنگهای روشن صلح و دهشت تیره کام جنگ و بربریت در این پرده‌ها رو در روی هم ایستاده‌اند، در کشاکش و جدالی جاودانه. درد، رنج، قساوت و بیرحمی از سویی، ترقی، زیبایی، بزرگی زمانه و پیروزی دشوار و شورانگیز انقلابها از سوی دیگر در آثار او راه یافته‌اند و تجسم مادی گرفته‌اند. پیکاسو برای آنها در جستجوی نفسگیر خود اشکال تصویری تازه و دهشتناک یافته است و امکانات بی بدیلی در اختیار هنر معاصر قرار داده است.

**پیکاسو مهمترین، شورانگیزترین، بخرنجترین و در عین حال متناقضترین نقاش قرن خونین ما است. یادش گرامی باد!**



## یادی از پابلو پیکاسو بمناسبت سالگرد درگذشت او مارتین کلو

با شنیدن نام پیکاسو بیاد نقاشی می‌افتیم با آثاری عجیب و غریب: تصویر انسانهایی با اندامهای نابجا، چهره‌های زنانه با دو بینی و سه چشم، تصویر نریانی در چنگ خمشی بی مهار، با اندامی کج و معوج و شاخهایی چنگک وار. گاهی مجموعه‌ای از تصاویر و نقاشیها که با شکل واقعی شان تطابق ندارند، تحت نام «پیکاسو» معرفی میشوند. بدینوسیله به سبک هنری‌ای اشاره میشود که انتظارات ما را بر نمی‌آورد و تحیر، تحسین و حتی گاهی خشم و انزجار ما را بر می‌انگیزد. پیکاسو نقاش کبوتر صلح (که معروف همگان است) بود و مبارز ضد فاشیست، دوست صمیمی مردم ستم‌دیده و کمونیستها، شرکت‌کننده فعال کنگره‌های جهانی صلح و برنده جایزه لنینی صلح. آیا پیکاسو شخصیتی دوگانه داشت: مردی که به عنوان هنرمند تصاویر عجیب و غریب غیر قابل فهم میکشید و به عنوان یک مبارز سیاسی در مبارزه طبقاتی موضعی صریح و بی‌چون و چرأ داشت؟ نه! پیکاسو را نمی‌توان دو تکه اش کرد. او شخصیتی واحد داشت، چه به عنوان هنرمند و چه به عنوان مبارز سیاسی. پیکاسو دو خصیصه بارز داشت: خلاقیت و سرسختی. او زندگی و کار هنری اش را از تنوع و خلافت بی‌مرزی می‌آشناشت و صریح و بی‌چون و چرأ به آنچه که به صحتش باور داشت، پای بند میماند. پیکاسو در سال ۱۸۸۱ میلادی در شهر کوچک و آبی قع در اسپانیا بدنیا می‌آید. در دوازده سالگی بهتر از پدرش که معلم نقاشی است، نقاشی میکند. او می‌تواند جانشین پدرش شود و بقیه عمرش را در زادگاهش به عنوان نقاشی سرشناس و شهروندی خوشنام سپری سازد. ولی او را شوری دیگر در سر است. در نوزده سالگی اسپانیا را ترک میکند، به پاریس - جهان شهر هنر - می‌رود تا با نامدارترین نقاشان زمانه خود آشنا شود و آثار آنها را ببیند. سرمای سخت پاریس او را مجبور به برگشت میکند، ولی با شروع بهار سر و کله اش دوباره در پاریس پیدا میشود. سالهای سال به زندگی دشواری تن میدهد، گرسنگی میکشد، از سرما می‌لرزد ولی شب و روز نقاشی میکند و در پی اسلوبی میگردد تا جهان را در آثارش بازتاب دهد. وقتی بیست ساله است، رنگ آبی حکمران بی‌چون و چرأ پرده‌های نقاشی او است. از ورای سایه‌های آبی تیره اندامهای آبی روشن قد میکشد: پسران تهیدست با نوه‌هایشان، گداها و انسانهای لرزان از سرما در رنگهای شفاف.

بعد آثار او را تصاویری از دنیای سیرک پر می‌کنند: دلقکها، رقصان، خانواده‌های بندبازان (آرتیستها): اندامهای ظریف و تراشیده سرشار از امید. رنگ‌ها کم بر آثار او در این مرحله صورتی است. چندی بعد شادی از آثار او رخت بر می‌بندد. غم‌زده، تنها و گداگونه انداکنون حتی بندبازان او. چرا که نمی‌توان مورد تحقیر دایم شهروندان خودخواه بود و شاد بود. دوستداران انگشت شمار آثارش او را نقاش انسانهای شریف سوگوار می‌نامند. پیشرفت او را به سوءظن می‌اندازد. او نمیخواهد خود را به سبک هنری مشخصی محدود کند، در پی آزمایش مدام است، تصاویرش اغلب زاویه دار و مخططنند: خانه‌ها، کوهها، درختها، گلخانه‌ها، آلات موسیقی، پیکرها و چهره‌های انسانی از اشکالی مربعی، پریمایی و مخروطی تشکیل یافته‌اند. اندام انسانها در آثار کنونی او و بتدریج ذوب میشود و رو به اضمحلال میرود. این سبک هنری کوبیسم نامیده میشود که در آثار هنرمندان دیگر نیز رایج است.

کشته و علیل شدن میلیونها انسان در جنگ اول جهانی پیکاسو را بر آن می‌دارد که به شرف انسانی بیندیشد. در این مرحله تصاویر او را اندامهای سترگ زنانه پر می‌کنند: زنان تندرست و نیرومند که یادآور دهقانان جنوبند: آرام و فارغ در کنار هم ایستاده‌اند، در باره عناصر زیبای زندگی گفتگو میکنند و کودکان شاد و خندان در بغل گرفته‌اند. پیکاسو خودش نیز اکنون پسر دارد. اغلب عکس او را میکشد و از هوشمندی و شادابی او به وجد می‌آید. تابستانها را

## ادامه ارتجاع قرون وسطایی در بر خورد ...

اعلام کردند که زنان نمی توانند برای انتخابات ریاست جمهوری نامزد شوند. بند دهم این کنوانسیون خواهان اجرای قوانینی است که برابری حقوق زنان و مردان را در عرصه آموزش در همه سطوح تأمین کند. بند یازدهم این کنوانسیون حق کار و آزادی انتخاب در این زمینه را حتی انکار ناپذیر برای زنان و همه بشریت می داند و خواهان دست یابی زنان به امکانات برابر کارایی است. بند دوازدهم از حقوق برابر زنان در بهداشت دفاع می کند و بند چهاردهم به دفاع از حقوق زنان روستایی اختصاص دارد. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای رفع هرگونه تبعیضی بر ضد زنان شامل ۳۰ بند در دفاع از حقوق انسانی زنان است که در پی ده ها سال مبارزه و تلاش نیروهای ترقی خواه جهان سرانجام به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است.

مخالفت تاریک اندیشان حاکم بر میهن ما با این کنوانسیون امری اتفاقی و صرفاً تبلیغاتی نیست. مسأله زیر پا گذاشتن خشن و غیر انسانی حقوق زنان از همان آغاز استقرار رژیم ولایت فقیه در میهن ما تجاوز به حقوق زنان و تبدیل بیش از نیمی از جامعه ما به شهروندان درجه دوم، بخشی از برنامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی رژیم بوده است و این سیاست همچنان ادامه دارد. اتکاء بر قوانین و نظرات قرون وسطایی و ضد انسانی که زنان را موجوداتی بیمار، از نظر فکری ناتوان و ابزاری برای ارضاء نیازهای جنسی مردان و تولید نسل می داند زمینه اساسی بخش وسیعی از قوانینی است که امروز در عرصه های گوناگون در میهن ما حاکم است و اولیه ترین حقوق انسانی زنان را به خشن ترین شکل ممکن زیر پا گذاشته است. راز پوشیده بی نیست که بر اساس اتکاء به همین قوانین قرون وسطایی و عمیقاً ارتجاعی حتی حق تعیین پوشاک، آزادی در انتخاب کار، همسر، تحصیل، مسافرت از بسیاری از زنان میهن ما دریغ شده است و افزون بر این با اتکاء بر همین قوانین «شرعی» تجاوز جنسی به کودکان به صورت «قانونی» امکان پذیر است.

مخالفت شدید تاریک اندیشان حاکم، در کنار تشدید جو ارباب و سرکوب و ادامه دستگیری های دگراندیشان بخش جدایی ناپذیر از خصلت عمیقاً ارتجاعی و ضد مردمی رژیمی است که پیشرفت، انسانیت و عدالت با ارزش های فکری اش عمیقاً در تضاد است. در کشوری که حتی وکلای مجلس اسلامی اش به خاطر اظهار نظر مستقل مورد اتهام و پرونده سازی قرار می گیرند جز این انتظاری نمی توان داشت. همدانی در پایان نامه خود بر ضد نمایندگان مجلس با تهدید آشکار نمایندگان اعلام می کند: «ولی به شما تذکر می دهم که بدانید علما و مراجع محترم و حوزه های علمیه دامت برکاتهم که راه عزت اسلام و مسلمین را همان راه امام رضوان الله علیه می دانند در برابر چنین جریان های خلاف اسلام هرگز خاموش نمی مانند و به وظیفه اسلامی خود عمل می کنند [یعنی همان بگیر و ببندها و شکنجه های دگراندیشان و کشتار مخالفان] و فریاد می کشند که مجلس ششم به کجا می رود؟»

موضع گیری به غایت ارتجاعی پاسداران تاریکی و جهل در مقابل این گونه گام های کوتاه و با تأخیر برداشته شده قوه مقننه جمهوری اسلامی در تدوین ضوابط قانونی حداقلی برای تأمین اراده و خواست زنان میهن ما در دست یابی به حقوق انسانی شان به روشنی مویذ این حقیقت است که در رژیم تاریک اندیش و ضد مردمی ولایت فقیه نمی توان هیچ گونه خوش بینی در زمینه تحقق حقوق انسان ها و استقرار جامعه مدنی متکی بر قانون داشت. زنان دلاور میهن ما اکنون سال هاست که با درک این واقعیت تلاش خستگی ناپذیر و تحسین برانگیزی را در زمینه بالابردن آگاهی اجتماعی و برپایی یک جنبش مستقل زنان به کار گرفته اند و بررغم همه فشارها و سرکوب ها دست آوردهای ارزشمندی را تحقق بخشیده اند. یاری به گسترش و تعمیق این جنبش شایسته ترین پاسخ به یاهو گویی های مرتجعان حاکم بر میهن ما در عرصه حقوق زنان است.

## ادامه اگر آنها نقشه راه دارند ...

کند- را در نظر بگیرد و یا مورد بحث و مطالعه قرار دهد. بر عکس این تروریسم فلسطینی و محو زیربنای تروریسم و کشاکش داخلی نیروهای فلسطینی است که در صدر برنامه قرار دارد. آقای بوش نمی تواند درک کند که اشغال، تحقیر و ستم زیربنای تروریسم و خشونت هستند.

## ارجحیت به جمعیت یا جغرافیا:

همه اینها در سایه درگیری بین دو طرز تفکر سیاسی عمده در اسرائیل صورت میگیرد؛ طرز تفکر حزب کارگر معتقد است که ارجحیت با خطر جمعیت می باشد. چون به نظر آن در کوتاه و میان مدت این امر اکثریت داشتن یهودیان در غرب رودخانه اردن را به مخاطره خواهد انداخت. مقابله با این خطر، و نه به رسمیت شناختن حقوق ملی فلسطینی ها، حزب کارگر را مجبور به قبول پیشنهاد تقسیم اراضی اشغالی و یافتن راه حل سیاسی در معادله صلح در مقابل زمین کرده است.

طرز تفکر دوم متعلق به آنهایی است که شعار اسرائیل بزرگتر را در سر دارند. آنها از یک سو مدعی اند که توانایی حفظ سرزمین اسرائیل بزرگ (بر اساس تورات و کتب مذهبی) و یهودیت یکپارچه دولت را دارند و از سوی دیگر با محدود کردن دموکراسی در اسرائیل، در تلاش برای کنار گذاشتن مردم فلسطین از حیطه حقوق ملی و فعالیت سیاسی، محروم کردن شهروندان عرب اسرائیلی از روند دموکراسی و مشارکت قانونی، می باشند. این طرز تفکر با توجه به این توهم که با برتری نظامی می تواند مشکلات موجود را از طریق نظامی بر طرف کند، خواهان انقیاد مردم فلسطین بطور سیستماتیک می باشد به صورتی که درگیری و خشونت به یک روند عادی تبدیل گردد و جدایی نژادی به یک نظام حاکم بدل شود. این دیدگاه در نتیجه شکست فاحش حزب کارگر و نوکری زبوانه آن در مقابل دولت شارون و گرایشات فاشیستی این دولت- در دو سال گذشته در اسرائیل حکومت می کند.

از زمان به قدرت رسیدن، دولت شارون همواره می کوشد که از راه حل های سیاسی پرهیز کند و با دامن زدن به وضعیت های اضطراری، تشدید خونریزی و اعمال جنایات جنگی، اختلافات موجود را به یک مسأله امنیتی تبدیل کند. این دولت نه تنها هیچگونه راه حل سیاسی آلترناتیو برای اختلافات موجود ندارد بلکه خود را به عنوان آلترناتیو هرگونه راه حل سیاسی معرفی می کند. دستور کار اصلی آن نه پاسداری از امنیت همزمان برای اسرائیل و فلسطین با خاتمه دادن به اشغال، نه متوقف کردن روند اخراج فلسطینیها از سرزمین هایشان و نه شناسایی حقوق قانونی مردم فلسطین است، بلکه ادامه اشغال نظامی و امنیت شهرکهای یهودی نشین در مناطق اشغالی می باشد. این است راه حل دولت شارون.

## نیروهای بین المللی: از مظهر انسانیت دفاع کنید!

در مبارزه برای صلح عادلانه و پایان دادن دائمی به اشغال نظامی، ایجاد گناهی که بتواند موقعیت کنونی اسرائیل را بر هم زند نیروی تعیین کننده خواهد بود. تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی بین المللی از همان اهمیت برخوردار است که بسیج برای حمایت بین المللی از مردم فلسطین (آمریکا و اسرائیل نمی توانند این درخواست فلسطینی ها رد کنند و یا مانع آن شوند چرا که هردو کشور در این جنایت مسئولند). بریگادهای صلح و نظارت بین المللی و گروههای همبستگی همچنان فشار خود را بر سیاست های آپارتایدی دولت اسرائیل ادامه می دهند. ولی مسأله اصلی و چالش عمده هنوز باقی است. چه نیرویی در این نبرد منزوی خواهد شد؟ آیا شارون در منزوی کردن نیروهای صلح دوست در اسرائیل و مبارزه برحق فلسطینی ها موفق خواهد شد؟ یا اینکه مبارزه برای صلح شارون را در اسرائیل و صحنه بین المللی منزوی خواهد کرد؟ آیا شارون می تواند صدای قهرمانان یونانی بزرگ دوران ما: فعالان جنبش صلح آمیز همبستگی بین المللی (آی اس ام) در فلسطین که خون و جان خود را برای جلوگیری از ماشین تهاجم اسرائیل از دست داده اند، را خاموش کند؟ نباید گذاشت جنگ و خون ریزی صدای ریچل کوری را خاموش کند. این زن جوان شجاع آمریکایی زیر زنجیرهای بولدوزر اسرائیلی که در راه خراب کردن خانه های فلسطینی ها در شهرک خان یونس بود، خرد شد. جهان باید بداند که بریگادهای صلح بین المللی تنها از بچه ها، زنان و دیگر شهر وندان فلسطینی حمایت نمی کنند، بلکه آن ها وجدان بشریت و سیمای انسانیت را حفاظت می کنند.

## ادامه در صفحات ۷

## ادامه اگر آنها نقشه راه ...

بیابید برای آنها درود، عشق و همبستگی بفرستیم.

## اسرائیلی ها بر ضد اشغال نظامی-

خانم هاو آفایان

در ماههای اخیر گروه های وسیع تری از جامعه اسرائیل خود را از چنگال فریبده توستل به زور برای امنیت رها ساخته اند. تعداد بیشتری از اسرائیلی ها مخالف جنایات جنگی اند و در تظاهرات نیروهای چپ و دیگر جنبش های صلح دوست شرکت می کنند. پدیده افسران و سربازان مخالف خدمت نظامی در مناطق اشغالی - که از نظر تعداد بی سابقه است - شرایطی را بوجود آورده که روش های مختلف مخالفت با سیستم زور و اشغال نظامی را که توسط دولت اسرائیل اعمال می شود، افزایش می دهد. بطور مشخص تعداد روز افزون زنان و مادران شرکت کننده در تظاهرات - شامل مادرانی که فرزندان خود را از دست داده اند - چشم گیر است. "اشغال نظامی همه ما را می کشد" و "جنگ را قطع کنید" تبدیل به شعار های مخالفان جنگ و اشغال نظامی شده است. در شهر های تل آویو و بیت المقدس، در حیفا و نازرات، هزاران نفر با شرکت مرتب در تظاهرات خواستار قطع فوری جنگ، ترک مناطق اشغالی و برقراری مذاکرات صلح با رهبری فلسطین شده اند.

## همان زنجیر ها

حکمرانان اسرائیلی سعی بر این دارند که نظر افکار عمومی را از این مساله که رابطه ای نزدیک بین سیاست های جنایت بار دولت شارون و هزینه های سنگین اجتماعی و انسانی و جانی برای اکثریت اسرائیلی ها وجود دارد، منحرف سازند.

زندگی دوباره نظر ما را تایید کرده است. دولت اسرائیل چاره ای ندارد: نمی توان کارگران و مردم فلسطینی را تحت ریاضت قرار داد بدون آنکه این ریاضت شامل بخش عمده ای از مردم اسرائیل نشود. همچنین نمی توان فلسطینی ها را بطور مداوم تحت فشار و تحقیر قرار داد بدون آنکه این فشار و تحقیر بطور همزمان شامل فقیران - بیکاران و کارگران اسرائیلی نشود. زنجیر هایی که آزادی فلسطینی ها را در مناطق اشغالی از آنها گرفته اند، همان زنجیر هایی است که دستهای طبقه کارگر و سایر زحمتکشان جامعه اسرائیلی را بسته اند. آشکارا یک راه حل سیاسی با هدف صلح، امنیت و امید برای فلسطینی ها می تواند شرایط بهتر اقتصادی و اجتماعی، امنیت و امید را برای اسرائیل بوجود آورد... یعنی نه نقشه بلکه خود راه.

## شرکت حزب کمونیست عراق در «شورای حکومتی»

یکی از مهم ترین تحولات سیاسی هفته های اخیر در عراق که بطور ویژه ای مورد توجه و بررسی محافل سیاسی منطقه و جهان قرار گرفت، تشکیل «شورای حکومتی» در این کشور و ترکیب نیروهای سیاسی شرکت کننده در آن بود. در ترکیب ۲۵ نفره «شورای حکومتی» و در کنار رهبران حزب دموکرات کردستان عراق و جبهه میهنی کردستان و کنگره ملی عراق و نیروهای شیعه و سنی، نام رفیق حمید مجید موسی، دبیر کل حزب کمونیست عراق، جلب توجه می نماید. نشریه طریق الشعب، ارگان حزب کمونیست عراق، در شماره ۲۱ خود در تیرماه به بحث های جاری در رابطه با ماهیت «شورای حکومتی» به این مساله اشاره می کند که ایالات متحده در اساس خواستار یک «شورای سیاسی» بود که فقط نقش مشورتی داشته باشد و ایده «شورای حکومتی» در حقیقت مصالحه یی بین خواست قلبی عموم مردم عراق برای تاسیس یک دولت میهنی موقت ائتلافی، و سیستم حکومتی مطروحه در قطعنامه ۱۴۸۳ شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۲ خردادماه جاری می باشد. طریق الشعب «اهمیت و ارزش» ایده شورای حکومتی را عمدتاً در گرو اینکه «تا چه حد دستیابی به دولت میهنی را تسهیل می کند و به تشکیل این دولت که تدارک یک انتخابات آزاد و عادلانه تحت نظارت سازمان ملل را ببیند سرعت می بخشد، و همچنین تدارک تدوین پیش نویس قانون اساسی برای اینکه در یک رفراندوم به همه پرسى عمومی گذاشته شود» می داند.

طریق الشعب در شماره ۲۲ خود در اواخر تیرماه ابتدا راه حل پیشنهادی حزب کمونیست عراق که در بردارنده تشکیل یک کنفرانس ملی با شرکت همه نیروهای سیاسی - ملی - مذهبی با هدف تشکیل یک دولت ائتلافی گذار و با وظیفه پرداختن به مشکلات عاجل در زندگی روزمره مردم کشور می باشد را توضیح می دهد. و سپس اضافه می کند که «خواست پی ریزی یک دولت گذار ائتلافی در تناقض با قطعنامه ۱۴۸۳ شورای امنیت سازمان ملل که قدرت اشغالگر را قانونی قلمداد کرده و به آن رسمیت می دهد و برای مردم عراق فقط یک نقش مشورتی در پروسه تصمیم گیری های سیاسی قائل است، قرار گرفت».

ارگان مرکزی حزب برادر ادامه می دهد که «در انتها یک فرمول مصالحه پیدا شد که نه یک دولت گذار ائتلافی است و نه یک شورای سیاسی با ماهیت فقط مشورتی.» «شرکت حزب ما در شورای حکومتی بر مبنای در نظر گرفتن دقیق و حساب شده اوضاع کنونی در کشورمان می باشد. یک جنبه اصلی در این ملاحظه تمایل اکثریت مردم ما و آرزوی آن ها به داشتن یک ساختار عراقی که معرف منافع مردم باشد. این همچنین

پاسخی به تمایل بخش های وسیعی از مردم می باشد که خواستار شرکت کمونیست ها بطور مستقیم و فعال در روند سیاسی کنونی کشور، در شورای حکومتی، می باشند.»

«این شرکت به معنی عقب نشینی از خواسته های ما و کوشش در جهت سرعت بخشیدن به تشکیل یک دولت مستقل و ملی در عراق، و ایجاد یک عراق واحد، دموکراتیک و فدرال نمی باشد.» «باید متذکر شویم که بر رغم همه پیچیدگی ها و مشکلات، کار شورای حکومتی، دورنمای فعالیت و تاثیر بخشی نقش آن، قبل از هر چیزی به اتحاد نیروهای تشکیل دهنده آن، که به باور ما باید گسترش یابد و دیگر نیروهای میهنی را که در مبارزه برضد رژیم دیکتاتوری شرکت داشته اند، در بر بگیرد، بستگی دارد.»

رفیق حمید مجید موسی، دبیر کل حزب برادر، در مصاحبه ای با روزنامه «الصباح» گفت که حزب کوشش دارد از طریق شرکت در شورای حکومتی «موقعیت مردم عراق و نقش آنان در دفاع از منافع شان را بالا ببرد»، همچنین از دوره گذار برای «سرعت بخشیدن به انتقال قدرت سیاسی به دست مردم عراق، به منظور اینکه آن ها شروع به حکومت و اداره امور کشور خودشان را بکنند»، استفاده کند.

در رابطه با سئوالی در باره موضوع آمریکایی ها نسبت به «شورای حکومتی» و اینکه آیا آن ها از حق «وتو» برای متوقف کردن تصمیمات آن استفاده خواهند کرد، رفیق حمید موسی توضیح داد که این موضوعی نیست که بشود بطور قاطع در رابطه با آن نظر داد چونکه «هیچ حاکمیت واحدی برای تصمیم گیری وجود ندارد.» «در کنار حاکمیت اشغالی که توسط قطعنامه ۱۴۸۳ شورای امنیت سازمان ملل قانونیت یافته، اکنون قدرت شورای حکومتی قرار دارد که شورا در صدد توسعه آن است.» رفیق موسی اضافه کرد که این مسیری بسیار دشوار است و از نظر عملی چالشی فوق العاده محسوب می شود «اما اعضای شورا آماده هستند که از طریق گفتگوی دائمی و بحث جدی بین دو طرف، این چالش را بپذیرند.» او گفت که «کلمه وتو در حال حاضر در عمل مطرح نیست ولی، این به آن معنی نیست که ما می توانیم بدون در نظر گرفتن وجود حاکمیت دیگر در کنارمان عمل کنیم.»



ایسام مخول، دبیر کل حزب کمونیست اسرائیل و عضو مجلس اسرائیل (کنست)

## اگر آنها نقشه راه دارند، ما جاده را داریم!

متن سخنرانی در اجلاس بین‌المللی سازمان ملل در حمایت از صلح در خاور میانه، کیف،

اوکراین ۲۴-۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۲

این درست است که شارون و بوش می‌توانند نقشه راه داشته باشند، در مقابل ما نیروهای صلح دوست و متعهد جاده را داریم و باید آن را حفظ کنیم. جاده ای که ضرورتاً از مسیر نشان دادن اشغال فلسطین به عنوان منشاء اصلی خشونت و جنایت در معادله اسرائیل-فلسطین می‌گذرد. جاده ای که حقانیت حقوق مردم فلسطین را به عنوان دلیل اصلی برای خاتمه اشغال فلسطین به رسمیت می‌شناسد. جاده ای که به آن در یک بیانیه مشترک اسرائیلی-فلسطینی که بیش از هزار نفر از شخصیت‌های صلح دوست از هر دو طرف آن را امضا و منتشر کرده اند اشاره شده است- این بیانیه خواستار ایجاد یک گروه عمل مشترک برای صلح اسرائیل-فلسطین شده است.

جاده ای که مارتین لوتر کینگ آنرا پیش بینی کرده بود وقتی که گفت: راهی به صلح وجود ندارد، صلح خود راه است. و این هنوز سؤال اصلی است که همچنان در مورد نقشه جاده نیز صدق می‌کند: آیا از آن به عنوان راهی برای رسیدن به صلح استفاده خواهد شد و یا فقط راهی فرعی است برای اجتناب از صلح واقعی. جنگ اخیر توسط دولت شارون در اواخر مارس ۲۰۰۲ با اشغال مجدد مناطق تحت کنترل دولت خود مختار فلسطین شروع شد. و این مرحله بی‌دیگر از جنگ مداوم در ۳۳ ماه گذشته برای از بین بردن حقوق ملی مردم فلسطین توسط نیروی نظامی بود. هدف این جنگ از یک طرف از بین بردن حق فلسطین برای تشکیل یک دولت مستقل در جوار دولت اسرائیل و از طرف دیگر تحکیم حاکمیت اسرائیل و شهرکهای ساخته شده اسرائیلی در مناطق اشغالی سال ۱۹۶۷ است. برای جلوگیری از روند کشتار و خونریزی باید علت اصلی جنایت و نابودی را یافت و با آن برخورد کرد و آن همانا کنترل مداوم سرزمین‌های اشغال شده در ژوئن ۱۹۶۷ توسط اسرائیل است. در مدت ۳۶ سال اشغال نظامی مداوم این مناطق توسط اسرائیل، ۱۴۰ شهرک مسکونی اسرائیلی در این سرزمین‌ها ساخته شده است، بیش از یک سوم مناطق اراضی نوار غزه و کرانه غربی توسط اسرائیلی‌ها تسخیر شده است و جنایات جنگی زیادی بر ضد ملت فلسطین روا شده است. این اشغال نظامی ۳۶ ساله کماکان غیر قانونی، غیر اخلاقی و سرچشمه تعرض و تهاجم در منطقه است.

## سیاست شارون:

شارون نخست وزیر اسرائیل که در پست‌های نظامی و غیر نظامی خود در گذشته مسئول برپایی ده‌ها شهرک مسکونی اسرائیلی در مناطق اشغالی، خراب کردن صدها خانه عرب نشین، جنگ علیه لبنان در سال ۱۹۸۲ که شامل قتل عام در دو اردوگاه پناهندگان فلسطینی صبرا و شتیلا گردید- بوده است، یک سیاست مبتنی بر زور و بخصوص خشونت برضد مردم فلسطین و رهبری آن اعمال می‌کند.

با وجود اینکه ما در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم، شارون کماکان پرچم استعمارگری را بدست دارد. او براین اعتقاد است که این حق اسرائیل است که بر ۳/۵ میلیون فلسطینی که در مناطق اشغالی زندگی می‌کنند حکمروایی کند و می‌توان حقوق ملی فلسطینی‌ها را از طریق برتری نظامی از بین برد. به نظر شارون تمام مناطق اشغال شده در ماه ژوئن ۱۹۶۷ برای همیشه تحت کنترل اسرائیل خواهند ماند. او حاضر است خود مختاری‌های محدودی را به عنوان بتن‌وستان‌ها (مناطق محدود خودمختار ولیکن تحت کنترل) که شامل اموری نظیر تعمیر جاده‌ها و سیستم فاضلاب می‌شود، در اختیار فلسطینی‌ها قرار دهد، ولیکن این فقط در ۴۰ درصد مناطق اشغالی خواهد بود. این آن امری است که شارون به مثابه امتیازات دردناک از آن‌ها نام می‌برد (دردناک مسلماً برای فلسطینی‌ها). باید تاکید شود که برنامه دولت شارون برای رسیدن به هدفهای رویایی خود ادامه این جنگ وحشیانه است. در برنامه‌های شارون جایی برای یک دولت مستقل و قابل دوام فلسطینی که در جوار اسرائیل بطور صلح آمیز قرار داشته باشد وجود ندارد و برای آنکه ایجاد یک دولت فلسطینی را از دستور کار خارج کند، شارون به ارتش اسرائیل دستور داده است که بطور سیستماتیک تمام ساختارها و موسسات دولتی و تمام نهادهای مدنی را که از زمان موافقتنامه اسلو بر پا گردیده اند، نابود سازد. به همین دلیل عرفات رهبر دولت خود مختار فلسطین تحت محاصره قرار گرفته است و ساختمان‌های اداری مرکزی این رهبری در رام‌الله عملاً نابود شده اند. به نظر شارون هدف اصلی از حذف عرفات، خارج ساختن فلسطین مستقل از دستور کار روز است.

دولت شارون از مقاومت مردمی فلسطین در مقابل ادامه اشغال و از خواسته‌های آنها برای استقلال ملی و کشور مستقل با خبر است. و برای سرکوب آمل آنها در رابطه با رهایی از اشغال نظامی، ارتش اسرائیل به شهرهای فلسطینی و اردوگاههای مهاجرین فرستاده شد. هدف این جنگ وادار کردن فلسطینی‌ها به پذیرش راه حل تحمیلی شارون یعنی ادامه اشغال نظامی اسرائیل می‌باشد. ارتش اسرائیل شهرها و اردوگاههای مهاجرین را دوباره تسخیر می‌کند، جنایات جنگی اعمال می‌کند، اعدامهای بدون محاکمه انجام می‌دهد، محاصره نظامی و اقتصادی برقرار می‌کند، مردم فلسطین را تحت ریاضت و گرسنگی قرار می‌دهد و کمکهای درمانی را قطع می‌کند، کودکان و دانش آموزان را از آموزش در مدارس و دانشگاهها باز می‌دارد و از وضع حمل زنان در بیمارستانها جلوگیری می‌کند.

## رقابت برای انحصاری نمودن نقش قربانی:

تحت حمایت دولت آمریکا، اسرائیل نه تنها سرزمین‌ها را اشغال می‌کند، زمین‌ها را تصاحب می‌کند، منابع آب فلسطین را کنترل می‌نماید و فلسطینی‌ها را تحقیر و سرکوب می‌کند بلکه می‌کوشد با فلسطینی‌ها بر سر اینکه چه کسی قربانی این شرایط است به رقابت برخیزد. و بدین ترتیب حق فلسطینی‌ها را به شناسایی بعنوان قربانیان اشغال نظامی اسرائیل از آنها بگیرد. اسرائیل با برخورداری از حمایت بدون قید و شرط آمریکا، نمی‌خواهد توجه افکار عمومی روی امر اشغال نظامی و خواست پایان دادن به آن متمرکز شود و بنا بر این اسرائیل و حامیان آن مساله عمده را خشونت و نه اشغال نظامی اعلام می‌کنند. به نظر اسرائیل، حقوق حقه مردم فلسطین و اجرای مصوبات سازمان ملل نمی‌توانند جزو دستور اصلی در کشاکش فلسطین و اسرائیل قرار گیرد. در نظر رهبران دولت اسرائیل تنها امنیت این کشور باید موضوع بحث باشد. دستور کار آمریکایی-اسرائیلی نمی‌تواند مسائل کوچکی چون ستم استعماری، تهاجم، جنایات جنگی، امحاء فعالان فلسطینی، کشتار روزانه کودکان فلسطینی توسط سیاست سیستماتیک اشتباهات و تروریسم دولتی- که دولت بوش آنرا موجه اعلام می‌کند

## ادامه در صفحه ۶

## کمک‌های مالی رسیده

آرش به یاد رفیق شهید حسین پور تبریزی

۵۰ یورو

آدرس‌ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر، از ذکر هر ونه نام اضافی

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 666  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

5 August 2003

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام  
790020580 شماره حساب  
10050000 کد بانک  
Berliner Sparkasse بانک